# نگاهي به زندگي دوازده امام عليهم‌السلام قسمت مربوط به امام جواد عليه السلام

## مشخصات كتاب

سرشناسه : علامه حلي، حسن‌بن يوسف، ۷۲۶ - ۶۴۸ق. اقتباس‌كننده  
عنوان قراردادي : المستجاد من كتاب الارشاد (فارسي)  
عنوان و نام پديدآور : نگاهي بر زندگي دوازده امام (عليهم‌السلام)/ تاليف علامه حلي؛ ترجمه محمد محمدي اشتهاردي.  
وضعيت ويراست : ويرايش‌۲  
مشخصات نشر : قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۷۶.  
مشخصات ظاهري : ۲۶۴ص.  
فروست : جامعه مدرسين حوزه علميه قم‌دفتر انتشارات اسلامي ؛ ۳۴۳  
شابك : ۷۵۰۰ريال(جلدزركوب)؛۵۵۰۰ريال(جلدشميز) 9644701887 : ؛ ۱۹۰۰۰ريال(چاپ هفتم) ؛ ۸۰۰۰ ريال(چاپ ششم)  
يادداشت : كتاب حاضر برگزيده و خلاصه‌اي با تغييرات از كتاب "الارشاد في معرفه حجج‌الله علي العباد" تاليف شيخ مفيد مي‌باشد  
يادداشت : چاپ ششم: تابستان :۱۳۸۰.  
يادداشت : چاپ هفتم: پاييز ۱۳۸۵.  
يادداشت : كتابنامه به‌صورت زيرنويس  
موضوع : ايمه اثناعشر  
موضوع : امامت  
شناسه افزوده : مفيد، محمدبن محمد، ۴۱۳ - ۳۳۶ق. الارشاد في معرفه حجج‌الله علي العباد  
شناسه افزوده : محمدي اشتهاردي، محمد، ۱۳۲۳ - ، مترجم  
شناسه افزوده : جامعه مدرسين حوزه علميه قم. دفتر انتشارات اسلامي  
رده بندي كنگره : BP۳۶/م‌۷الف‌۴۰۱۷ ۱۳۷۶  
رده بندي ديويي : ۲۹۷/۹۵  
شماره كتابشناسي ملي : م‌۷۷-۵۲۵۰

## ويژگيهاي زندگي امام جواد

امام جواد «عليه‌السلام» پس از پدر، به مقام امامت رسيد، امام جواد «عليه‌السلام» در ماه رمضان [1] سال 195 هجري در مدينه، چشم به جهان گشود و در ماه ذيقعده (آخر ماه) سال 220 هجري در سن 25 سالگي از دنيا رفت. مدت خلافت آن بزرگوار به جاي پدرش و مدت امامتش بعد از پدرش، هفده سال بود. مادرش ام‌ولد بود و «سبيكه» نام داشت و از اهالي «نوبه» بود.

## نمونه‌هايي از دلايل امامت امام جواد

روايات بسياري بيانگر تصريح يا اشاره‌ي امام رضا «عليه‌السلام» بر امامت فرزندش امام جواد «عليه‌السلام» است از جمله راويان بزرگي كه به نقل اينگونه روايات پرداخته‌اند عبارتند از: 1- علي بن جعفر (فرزند امام صادق «عليه‌السلام» و) عموي حضرت رضا «عليه‌السلام». [ صفحه 218] 2- صفوان بن يحيي. 3- معمر بن خلاد. 4- حسن بن جهم. و جماعت ديگري كه به خاطر رعايت اختصار، از ذكر آنان خودداري شد، اينك به چند نمونه از اين روايات توجه كنيد: 1- «علي بن جعفر» در ضمن گفتاري به حسن بن حسين بن علي بن حسين فرمود: «خداوند حضرت رضا «عليه‌السلام» را در آن هنگام كه برادرها و عموهايش به او ستم كردند، ياري فرمود» و پس از ذكر مطالبي، علي بن جعفر مي‌گويد: من برخاستم و دست ابوجعفر محمد بن علي (يعني امام جواد «عليه‌السلام») را گرفتم و گفتم: «گواهي مي‌دهم كه تو در پيشگاه خدا، امام هستي». امام رضا «عليه‌السلام» گريه كرد و سپس (به من) فرمود: اي عمو! آيا از پدرم نشنيدي كه مي‌فرمود: رسول خدا «صلي الله عليه و آله» فرمود: «بأبي ابن خيرة الاماء النوبية...؛ پدرم به فداي پسر بهترين كنيزان از اهل نوبه. [2] پاك‌سرشتي از فرزندان او (حضرت قائم) است؛ آواره (بيابانها) و طالب خون پدر و جدش، پنهان شده از نظرها (كه مدت غيبتش آن قدر طولاني است) كه در مورد او گفته مي‌شود از دنيا رفته، يا هلاك شده؟ يا به كدام بيابان و دره‌اي رفته و ناپديد شده است». گفتم: فدايت گردم! راست مي‌گويي. 2- «صفوان بن يحيي» مي‌گويد: به حضرت رضا «عليه‌السلام» عرض كردم: قبل از آنكه خداوند ابوجعفر (امام جواد «عليه‌السلام») را به شما ببخشد، از تو مي‌پرسيدم (كه امام بعد از شما كيست؟)؛ در پاسخ مي‌فرمودي: «(اگر) خداوند به من پسري عطا كند (او امام شماست)»، اينك خداوند آن پسر را به شما عنايت فرموده و چشمهاي ما را به وجود او روشن فرموده است، خدا آن روز را نياورد كه ما با جاي خالي تو مواجه شويم و اگر [ صفحه 219] چنين روزي (يعني درگذشت شما) پيش آمد، ما به چه كسي مراجعه كنيم؟ (و او را امام خود قرار دهيم؟). حضرت رضا «عليه‌السلام» با دست اشاره به ابوجعفر (امام جواد «عليه‌السلام») كرد كه در آن هنگام پيش رويش ايستاده بود. عرض كردم: «فدايت شوم! اين پسر، كودكي است كه سه سال دارد؟!». فرمود: «سن كم او به امامت او آسيب نمي‌رساند، عيسي «عليه‌السلام» قيام به حجت (پيامبري) كرد با اينكه كمتر از سه سال داشت». [3] . 3- «معمر بن خلاد» مي‌گويد: در محضر حضرت رضا «عليه‌السلام» بودم، سخني از آن حضرت (در راستاي امامت) شنيدم، آنگاه فرمود: «شما چه نيازي (به امام) داريد (و چه كمبودي احساس مي‌كنيد؟) اين ابوجعفر (اشاره به امام جواد) است كه او را جانشين خودم كردم و مقام خود را به او سپردم، ما از خانداني هستيم كه كودكانمان (خصايص امامت) را از بزرگانمان، ارث مي‌برند، همچون يكديگر (يعني همانگونه كه بزرگسالانمان خصايص امامت را ارث مي‌بردند) بدون هيچ گونه تفاوت». 4- «حسن بن جهم» مي‌گويد: در محضر امام رضا «عليه‌السلام» نشسته بودم، پسرش ابوجعفر (امام جواد «عليه‌السلام») را خواست او كودك بود آمد، امام رضا «عليه‌السلام» او را در كنار من نشانيد و به من فرمود: «پيراهن او را بيرون بياور»، من پيراهن (حضرت جواد را) از تنش بيرون آوردم، امام رضا «عليه‌السلام» فرمود: با دقت بين دو شانه‌ي او (جواد «عليه‌السلام») را ببين، من نگاه كردم، ناگهان چشمم به چيزي شبيه مهر در يكي از شانه‌هايش افتاد كه آن در گوشت فرورفته بود. آنگاه حضرت رضا «عليه‌السلام» فرمود: «اين مهر را مي‌بيني؟ نظير همين، در شانه‌ي پدرم وجود داشت». [ صفحه 220]

## يك نمونه‌ي ديگر

(قبلا بايد توجه داشت كه مأمون عباسي، شيفته‌ي جمال و كمال امام جواد «عليه‌السلام» شد و دخترش ام‌الفضل را به همسري او درآورد و بعد، آن حضرت را با احترام، همراه ام‌الفضل، از بغداد به سوي مدينه روانه كرد) بسياري از مورخين نقل كرده‌اند: وقتي كه امام جواد «عليه‌السلام» همراه ام‌الفضل دختر مأمون (كه همسرش بود) از بغداد به سوي مدينه حركت كردند، در مسير خود به خيابان «باب‌الكوفه» رسيدند و همراه آن حضرت، جمعيتي بودند كه او را بدرقه مي‌كردند، هنگام غروب آفتاب به «دارالمسيب» رسيد، در آنجا فرود آمد و براي نماز به مسجد رفت، در صحن مسجد، درخت سدري بود كه هنوز ميوه نداده بود، ظرف آب طلبيد و در كنار آن درخت وضو گرفت (كه آب وضويش به پاي درخت مي‌ريخت) و بعد برخاست و نماز مغرب را با مردم خواند و در ركعت اول بعد از حمد، سوره‌ي «نصر» را خواند و در ركعت دوم بعد از حمد، سوره‌ي «توحيد» را خواند، سپس قنوت بجا آورد و نماز را به آخر رساند، بعد از نماز اندكي نشست و ذكر خدا گفت و سپس بي‌آنكه تعقيب نماز را بخواند برخاست و چهار ركعت نماز نافله‌ي مغرب را خواند و سپس دو سجده‌ي شكر بجا آورد، سپس از مسجد بيرون آمد، وقتي كه به آن درخت سدر رسيد [4] ، مردم ديدند آن درخت داراي ميوه‌هاي زيبا شده و از اين كرامت تعجب كردند و از آن ميوه‌ها خوردند و ديدند شيرين و بدون هسته است. آنگاه با امام جواد «عليه‌السلام» خداحافظي كردند، آن حضرت همان وقت به سوي مدينه رفت و همچنان در مدينه ماند تا آن هنگام كه معتصم (هشتمين خليفه‌ي عباسي) پس از مأمون روي كار آمد و آن حضرت را در آغاز سال 220 هجري به سوي بغداد [ صفحه 221] فراخواند و آن بزرگوار ناگزير به بغداد آمد و در آنجا بود تا در آخر ماه ذيقعده‌ي همان سال 220 از دنيا رفت و بدن مطهرش را در پشت سر جدش امام موسي بن جعفر «عليه‌السلام» (در قبرستان قريش واقع در كاظمين نزديك بغداد) به خاك سپردند.

## پايان عمر امام جواد

چنانكه گفتيم امام جواد «عليه‌السلام» در مدينه متولد شد و در بغداد از دنيا رفت و معتصم عباسي او را از مدينه به بغداد جلب كرد، آن حضرت دو شب مانده به آخر محرم سال 220 هجري، وارد بغداد شد و در ماه ذيقعده‌ي همان سال در بغداد (پس از ده ماه تحت نظر حكومت عباسيان) جان به جان‌آفرين تسليم كرد. بعضي گفته‌اند: آن حضرت را مسموم كردند، ولي اين قول نزد مصنف كتاب الارشاد (شيخ مفيد) ثابت نشده است؛ زيرا روايتي كه بر آن گواهي دهد، به نظر ايشان نرسيده است. [5] . جسد مطهر آن حضرت در قبرستان قريش، پشت سر مرقد جدش امام كاظم «عليه‌السلام» به خاك سپردند. او هنگام شهادت 25 سال و چهار ماه داشت و با القاب «منتجب و مرتضي» ياد مي‌شد.

## فرزندان امام جواد

امام جواد «عليه‌السلام» داراي چهار فرزند پسر و دختر بود: [ صفحه 222] 1- امام محمد بن علي «عليه‌السلام». 2- موسي. 3- فاطمه. 4- امامه. و امام جواد «عليه‌السلام» اولاد ذكوري غير از نامبردگان نداشت.

## پاورقي

[1] هفدهم ماه رمضان يا شب نيمه ماه رمضان و بعضي تولد آن حضرت را در روز جمعه پانزدهم رجب دانسته‌اند. (اعلام‌الوري، ص 329).  
[2] منظور از اين فرزند، امام جواد «عليه‌السلام» است.  
[3] چنانكه در آيه‌ي 30 از سوره‌ي مريم آمده است كه: عيسي «عليه‌السلام» در گهواره گفت: «اني عبدالله اتاني الكتاب و جعلني نبيا؛ من بنده‌ي خدايم، به من كتاب (آسماني) داده و مرا پيامبر نموده است».  
[4] در متن كتاب از اين درخت به عنوان «نبقه» ياد شده است كه ميوه‌اش شبيه عناب است قبل از آنكه كاملا قرمز گردد. (در كتاب المنجد آمده: «نبقه» ميوه درخت سدر است).  
[5] لازم به تذكر است كه طبق بعضي از روايات، حضرت جواد «عليه‌السلام» توسط همسرش ام‌الفضل به دستور معتصم (هشتمين خليفه‌ي عباسي) مسموم شد و به شهادت رسيد و مسعودي در كتاب «اثبات‌الوصيه» مي‌گويد: معتصم و جعفر بن مأمون، ام‌الفضل را براي مسموم نمودن امام جواد «عليه‌السلام» تحريك كردند. (شرح اين مطلب در منتهي‌الآمال، ج 2، ص 233 تا 234 آمده است).